

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا ۲۹۵

اساسی سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۵ بهمن ۱۳۸۴ ، ۲۵ ژانویه ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیر: عبدل کلپریان

کارگران شرکت واحد تصمیم به اعتصاب مجدد گرفتند!

صفحه ۳



محمد امین کمانگر

نهادهای دم و دستگاہ و قانون اساسی ما فوق ارتجاعیست، ولی فقیه و ریاست جمهوری اش و مجلس و وزارتخانه هایش همه و همه عاملین ۲۷ سال جنایت و سر کوبنند و عاملین بیش از صد هزار اعدام می باشند. اینها پیکر

صفحه ۳

این جانوران اسلامی باید سرنگون شوند

سران رژیم تروریست و جنایتکار اسلامی ایران بشدت تحت فشار اعتراضات مردم چه در داخل و چه در خارج کشور میباشد. این رژیم فاشیستی اسلامی در طول ۲۷ سال از عمر ننگینش کاری جز جنایت جز سرکوب جز فقر و بدبختی برای اکثریت عظیم مردم ایران در بر نداشته است. همه جناحهای رژیم همه سران فاشیست این نظام ضد بشری، همه

جمهوری مهاباد، کمی از نزدیکتر

مردمی که احزاب قومی سنگ دفاع و احقاق حقوق آنها را به سینه میزدند امروز در سلیمانیه و هولیر و کرکوک آگری و سراسر کردستان باید با زور تظاهرات و قدرت جمعیشان، نان و آب و برق و وسائل روشنایی را از چنگ آنها دریابورند و در این راه هم سینه هایشان مورد اصابت گلوله افراد طالبانی و بارزانی قرار گرفته است. این سناریو داستان زندگی ناسیونالیسم خارج از حیطه قدرت و حکومت در همه جوامع میباشد و جمهوری خانها و فئودالها که به

صفحه ۲

دادن منافع طبقاتی خود بجای منافع عامه و غیره خواهد بود. هر چند که در این اواخر جنایتکاران کاخ سفید از بقایای یک مملکت ویران شده و سلاخی کردن هزاران زن و مرد و کودک و پیرانه ای شبیه به یک انبار باروت و مهمات را به اسم "عراق آزاد" درست کرده اند و مسئولیت کنترل و آرام کردن بخشی از آنجا را به احزاب قومپرست و ناسیونالیست کرد داده اند و دیگر همگان میدانند و مردم کردستان عراق شاهدند که تلاش چند دهه ادعای منفعت مردم و "ملت کرد" به چه سرانجام و نهایتی رسیده است



عبه سید مرادی

نقطه عطفهایی در جنبش ناسیونالیسم کرد بوقوع پیوسته که بدون یک بررسی تاریخی و سیاسی در پرده ختن به آن، به همان اهداف ناسیونالیسم کرد خدمت خواهد کرد که همانا شریک و سهیم شدن در قدرت از طریق توهم، قهرمان سازی، جعل تاریخ، نشان

کارگران شرکت واحد با پخش اطلاعیه ای خطاب به هیئت مدیره سندیکا، خواهان دست زدن به اعتصاب شدند

بدهد. این در واقع نامه سرگشاده و انتقادی کارگران شرکت واحد خطاب به رهبری سندیکا است. نامه مشابهی نیز هفته قبل از طرف کارگران پخش شده بود که

صفحه ۴

اعتصاب اعلام آمادگی کرده اند و از رهبری سندیکا خواسته اند که برای آزادی اسانلو و تحقق خواستهای کارگران که تاکنون علیرغم وعده وعیدها بی پاسخ مانده است، فراخوان اعتصاب

روز جمعه ۳۰ دیماه اطلاعیه ای با امضای "جمعی از کارگران زحمتکش و ستمکش شرکت واحد" در مناطق مختلف تهران پخش شد. در این اطلاعیه کارگران برای دست زدن به



صفحه ۴

نامه های حمایتی جمعهای از کارگران و کارکنان شاغل در کارخانجات پتروشیمی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جمهوری مهاباد . . .

"جمهوری مهاباد" موسوم است با وجود همه سستی و بی پایه بودنش در همین دایره میگنجد. اما چون از زمان وقوع آن سالها میگذرد، قومپرستان رنگارنگ کرد هر سال داد و فریاد به راه می اندازند و از آن استان توخالی، اسطوره و قهرمان تحویل مردم میدهند. نوشته زیرتلاشی است از نزدیک، تا به آن مقطع حساس بعد از جنگ دوم جهانی و بازتاب عوامل و نتایج آن در ایران و عمدتاً در کردستان بپردازد.

مقطع پس از جنگ و بازسازی کشور وسیع شوروی و صنعتی کردن کشور نیاز به حدوداً شصت میلیون تن نفت داشت برای این هدف دوازده میلیون تن نفت باکو اصلاً جوابگو نبود و در آن ایام هم هنوز منابع غنی دیگر از جمله درسیبری کشف نشده بودند.

اقدامات دیپلماتیک با دولت ساعد برای دریافت نفت به نتیجه نرسید و لذا در تاریخ بیست و پنج آگوست سال ۱۹۴۱ نیروهای نظامی ارتش شوروی از شمال و ارتش انگلیس از جنوب وارد ایران و آنجا را به اشغال خود در آوردند و در مدت کوتاهی ارتش ایران تار و مار شد.

در کردستان هم اداره امور دولت ازهم پاشیده و تنها در نقاط محدودی بازمانده های ارتش در پادگانها مانده بودند. در آن هنگام هم تشکل خاصی وجود نداشت و تنها بعد از مدت یکسال از ورود ارتش شوروی میگذاشت تا در شهریور سال ۱۳۲۱ برابر با سپتامبر ۱۹۴۲ تشکلی به اسم جمعیت "ژ. ک." بوسیله جمعی از اهالی مهاباد اعلام موجودیت کرد اما فعالیت و حضور محسوسی نداشت.

در آن هنگام اتوریته و قدرت در دست مالکان و رهبران عشایر بود از جمله خانواده قاضی ها، که قاضی محمد رئیس اداره اوقاف مهاباد بود و عموزاده وی "سیف قاضی" که مالک چندین روستا در اطراف میانوآب بود. از طرفی دیگر مدتها از حضور ارتش شوروی

در ایران میگذاشت که هنوز موفق به دریافت نفت شمال نشده بودند و همه اقدامات سیاسی و دیپلماتیک و فشار از طریق حزب توده از طرف دولت و سیاستمداران انگلیس مانع این امر شده بود که این وضعیت باعث شد که مسئولان امور شوروی از یک جبهه دیگر هم یعنی تقویت احساسات ملی و تقویت و تشویق افرادی در آذربایجان و کردستان (عمدتاً مهاباد) نمودند و در این راستا هیئتی را به باکو دعوت کردند که شامل سران عشایر و مالکین از جمله قاضی محمد و از منطقه بوکان هم قاسم آقا ایلخانی زاده بود که زیاد به تحولات خوش بین نبود و بعدها با ارتش ایران همکاری کرد، وقتی که هیئت از باکو به مهاباد بازگشتند شروع به اقداماتی نمودند و خود را برای اقداماتی آماده کردند از جمله بنابه توصیه روسها تغییر نام جمعیت "ژ. ک." به حزب دمکرات، انتقال یک دستگاه ماشین چاپ و آغاز انتشار روزنامه کردستان تحویل گرفتن بخشی از اسلحه و مهمات بوسیله باقروف نماینده شوروی در مهاباد که شورشیان آذربایجانی از تسخیر پادگان ارومیه بدست آورده بودند، تشکیل دفتر روابط فرهنگی و شروع فعالیت علنی بنابه توصیه "هاشموف" کنسول شوروی در ارومیه.

در ماه نوامبر سال ۱۹۴۵ سران شصت ایل و عشایر در همان دفتر روابط فرهنگی گرد آمدند و قاضی محمد برای آنها سخنرانی کرد و از کمکهای "برادران روسی" برای حزب جدید تشکر کرد و بخشی از برنامه حزب جدید را به اطلاع آنها رسانید که اشاره به اداره امور محلی به کرد زبانان - تحصیل زبان کردی در مدارس - تمام عایدات و درآمد منطقه به دولت محلی تعلق داشته باشد و....

در اواسط ماه نوامبر تحرکات مسلحانه در آذربایجان شروع شد در تبریز ژاندارمری و شهربانی تسخیر شد و ارتش ایران تبریز را رها کرد و بعداً هم جمهوری خودمختار آذربایجان تأسیس شد.

دولت ایران از هر طرف تحت فشار بود در شمال "اتحادیه کارگران شمال" کنترل خیلی از مراکز و امور و ادارات را در دست داشت در تهران "شورای متحده کارگری" توان اعتصاب و تظاهرات را در همه نقاط و مراکز مهم را داشت و دولت توان مقابله با مردم و اعتراضات کارگری را نداشت.

در آبان ماه دولت یک ستون نظامی را به قصد سرکوب به طرف آذربایجان فرستاد که نیروهای نظامی شوروی در اطراف قزوین مانع آنان شدند و نتوانستند به آنجا حرکت بکنند، از طرفی دیگر شورشیان در آذربایجان بعد از غلبه کردن بر ارتش به نیرو و توان نظامی قابل توجهی تبدیل شده بودند به شکلی که در تهران و قزوین از ترس حمله شورشیان آذربایجان زیرپلها را مین گذاری کرده بودند.

در کردستان رهبران عشایر و مالکان و قاضی محمد کیچ اوضاع بودند و از طرف مسئولان و مقامات شوروی تحت فشار بودند تا کاری بکنند. در اواخر ماه دسامبر قاضی محمد هیئتی را جهت جلب نظر غربیها و دیدار با کنسول انگلیس به تبریز میفرستاد اما آنها بادت خالی وعدم موافقت کنسول به مهاباد بر میگردند در نتیجه خود قاضی روانه تبریز میگردد و با پیشه وری رهبر جمهوری خودمختار آذربایجان و مقامات شوروی دیدار میکند و قول نزدیکی و همکاری را به وی میدهند و در بازگشت چند روز قبل از دوم بهمن یعنی روز اعلام "جمهوری مهاباد" برای اطمینان کامل با سران عشایر و مالکان بزرگ در مسجد بزرگ مهاباد به مشورت میپردازد و در ملاقات با "تمازعلی اف" افسر سیاسی شوروی تصمیمات و تاریخ روز اعلام "جمهوری مهاباد" را با وی در میان میگذارد تا اینکه روز ۲۲ ژانویه (۲ بهمن) میرسد و در میدان مرکزی شهر مردم را جمع میکنند و سران عشایر در نزدیکی سکوی خطابه می ایستند و زنان در خانه هایشان میمانند و تنها عده ای معدود از دور

از پشت بام خانه هایشان نظاره گر اوضاع میشوند. قاضی محمد که لباس آخوندیش را منتهای عمامه درآورده بود و بجای آن یکدست اوئینفرم روسی که در تبریز برایش دوخته بودند بتن داشت و روی سکوی خطابه رفت و سخنانش را با آرزوهای دیرینه ناسیونالیسم کرد یعنی سرزمین و قدرت اینطور شروع کرد: "مردم کرد مردمی تنها هستند سرزمینشان غصب و تقسیم شده است و از ابتدائی ترین حقوق که عبارت از حق تعیین سرنوشت باشد، بی بهره اند...."

حرف و اشاره ای به موضوعات اصلی و مهم نشد از جمله دفاع از حق مردم محروم، تقسیم زمین بین روستاییان فقیر که اکثریت جمعیت آن زمان را تشکیل میدادند و حقوق زنان و ستم و استثمار بیش از حد مالکان بر دهقانان که در آن زمان نود درصد حاصل زحمت و رنج آنان را به یغما می بردند. اشاره نکردن به این موضوعات اجتماعی، طبیعی بود زیرا در اطراف سکوی خطابه و در بغل دست قاضی سران عشایر مامش، منگور، گورگ، زرزا، و.... خیل تفنگ دارشان به صف ایستاده بودند و امیدوار بودند تا "جمهوری" امکانات بیشتری را برای تسلط و استثمار بیشتر دهقانان فراهم بکنند که همه این عوامل هم باعث شد که بعدها تمایلی به دفاع مردمی در مقابل حملات ارتش نبود.

در اواسط ماه آوریل برای فشار بیشتر به دولت مرکزی از طرف مستشاران شوروی مذاکرات و ملاقاتهایی بین هیئتهایی از آذربایجان و کردستان ترتیب داده شد. از آذربایجان جعفر پیشه وری و سلام اله جاوید و از این طرف هم قاضی محمد و امرخان شکاک رهبری هیئت را داشتند که بیانیه ای هفت ماده ای را تصویب و به امضا رساندند که بیشتر اشاره به همکاری نظامی و روابط اقتصادی داشت این تحرکات حساسیت دولت مرکزی را برمی انگیزد و به چاره اندیشی و امید داشت و مهمترین آن سفر نخست وزیر ایران به شوروی و ملاقات با استالین و وزیر خارجه مولوتوف بود که حول محور "قضیه آذربایجان، عقب نشینی قوای نظامی از ایران و از میان بردن سوه تفاهات میان

دو کشور" و قول امتیازات نفتی شمال به شوروی بود و در آن مذاکرات حرفی از کردستان به میان نیامد و این فرض بوده که با حل موارد مهم دیگر، بایک اشاره کوچک مأموران شوروی، قاضی محمد اوئینفرم نظامی را بدون دردرس به صاحبانش برمیگرداند و دست از "جمهوری" میکشد در ادامه این اوضاع در ۲۵ آوریل ۱۹۴۶ توافقنامه ای تصویب شد که شرکت مختلط نفت ایران و شوروی به بهره برداری از نفت شمال بپردازد و نیروهای نظامی شوروی هم شروع به خروج از ایران بکنند. مأموران شوروی در محل به قاضی محمد یادآوری میکنند که باید لحن ملایمی نسبت به دولت ایران نشان دهند و بر اساس راهنماییهای آنها راهی تهران میشود و از آنجا هم نا امید به مهاباد بر میگردد. از طرفی دیگر فعالیت نظامی ارتش ایران افزایش پیدا میکند و در حالیکه تعداد تفنگداران خانها و ملاکین که در اختیار "جمهوری" بود، تعدادشان به دوازده هزار نفر میرسد.

در مقابل پیش روی نیروهای نظامی دولت ایران، در موارد معدود و فقط در ابتدای پیشروی ارتش جهت تقویت پادگان سقزیا آنها درگیر شدند در اوایل ماه مه "رزم آرا" از فرماندهان ارتش ایران به نزدیکی سقز میرسد و درخواست آتش بس وی، مورد قبول قرار میگیرد و سپس درخواست میکند جاده ای به طرف پادگان بانه و سردشت احداث شود که مورد قبول قرار میگیرد و از آنها تضمین میگیرد که حداقل چهار کیلومتر از جاده فاصله بگیرند و آنها کمال همکاری را با ارتش سرکوبگر انجام میدهند (و همین عمل ننگین و خوشخدمتی را حزب دمکرات سالها بعد با جمهوری اسلامی تکرار کرد و به اسکورت نیروهای نظامی به پادگان سنندج اقدام ورزید) و در ادامه میان رزم آرا و قاضی محمد در روستای "سرا" ملاقاتی انجام گرفت و قاضی محمد در مقابل بعضی وعده ها قول همکاری و رعایت آتش بس را به نامبرده میدهد.

سیر اوضاع سیاسی و پیش رفت

از صفحه ۲

جمهوری مهاباد . . .

توافقات بین شوروی و ایران امکان مانور و تحرک ارتش و نیروهای سرکوبگر را در سراسر ایران افزایش میدهد و از طرف دیگر توافقاتی بین دولت ایران و مسئولین آذربایجان انجام میگردد و در اواخر ماه مه ۶۶ پیشه وری "اعلام میکند که" امضای موافقتنامه با دولت مرکزی ضرورت دارد زیرا آمریکائی ها و انگلیسی ها می

خواهند بابره برداری آزمسته آذربایجان ومشکلات آن، توطئه ای علیه دوست بزرگ ماشوروی بچینند". بدین ترتیب سیاست خارجی شوروی وارد مرحله ای دیگر در ایران میشود و عناصر و نیروهایی که بازیچه دست آنها بودند به مهره های سوخته و بی ارزش تبدیل میشوند. درنیمه دسامبر در ظرف دو روز شهر تبریز

سقوط میکنند و ارتش به کشتار مردم میپردازد و نیروهای خود رابه سوی کردستان روانه میکنند. قاضی محمد خود را به آخرین فرد باقیمانده شوروی "اسد" نماینده تجاری آنها میسراند و تقاضای کمک میکند و اسد در جواب به وی میگوید "اگر نام حزب به جمعیت ژ.ک تغییر یابد امکان

کمک شاید باشد!" در تاریخ ۱۶ دسامبر قاضی محمد، سیف قاضی، حاجی باباشیخ وعده ای دیگر با اتومبیل روانه میانلواب میشوند و تسلیم "همایونی" فرمانده نیروهای که عازم مهاباد بودند، میشوند و قاضی محمد به همایونی میگوید هر عملی تحت فشار ماموران شوروی انجام گرفته، سپس آنها را دستگیر نمیکند و همایونی آنها را روانه بوکان ومهاباد میکند تا هم

از مقاومت احتمالی جلوگیری بکنند وهم امکان ورود ارتش رابه آنها فراهم بکنند که آنها به این درخواستها عمل کردند و سرانجام در تاریخ ۱۷ دسامبر قاضی محمد وبقیه به استقبال نیروهای ارتش در نزدیکی روستای "گوگیته" رفتند و آنها رابه شهر راهنمایی کردند در آخر هم همه این خدمات مانع کشتن آنها نشد.

* * *

کارگران شرکت واحد تصمیم به اعتصاب مجدد گرفتند!

بیانیه اعتصاب مجدد کارگران و کارکنان شرکت واحد، در تهران توزیع شد. اعتصاب برای روز شنبه ۸ بهمن ماه (۲۸ ژانویه) فراخوان داده شده است. اطلاعیه امضای هیئت مدیره سندیکا را دارد و عصر روز سه شنبه در سطح وسیعی در مناطق مختلف تهران توزیع شده است.

قبلا در اطلاعیه هائی به آگاهی عموم رساندیم که روحیه اعتراضی در میان کارگران و کارکنان شرکت واحد بالا است و بخشهایی از کارگران شرکت واحد طی دو اطلاعیه مجزا، خواهان اعتصاب شده بودند. خواست هائی که در این

بیانیه بر آن تاکید شده است، آزادی اسانلو و انعقاد قراردادهای دسته جمعی است که دو خواست مهم کارگران شرکت واحد است.

حزب ضمن حمایت قاطع از این اعتصاب، از کلیه کارگران و کارکنان شرکت واحد میخواهد که هرچه متحدانه تر و یکپارچه تر از

فراخوان اعتصاب توسط سندیکا پشتیبانی کنند و همراه با خانواده های خود در تجمعات اعتراضی شرکت کنند.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران، دانشجویان و مردم آزادیخواه را به حمایت پرشور از این اعتصاب فرامیخواند. پیروزی این اعتصاب نه تنها برای ۱۷ هزار نفر کارگران و کارکنان شرکت واحد اهمیت دارد، بلکه برای همه مردم حائز اهمیت است. این مبارزه میتواند و باید به پیروزی برسد و برای پیروزی حمایت همه ما لازم است.

حزب بار دیگر از همه



سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهد حمایت و همستگی خود با کارگران شرکت واحد را هرچه بیشتر گسترش دهند. مبارزه کارگران شرکت واحد وارد مرحله حساسی شده است و حمایت گسترده جهانی از آن يك شرط پیروزی این اعتصاب است.

زنده باد همبستگی کارگری

زنده باد اتحاد، زنده باد اعتصاب

کمونیست کارگری ایران

۴ بهمن ۱۳۸۴ - ۲۴ ژانویه ۲۰۰۶

از صفحه ۱

این جانوران اسلامی . . .

انسانهای بیشماری را به گلوله بستند، به دار آویختند، سنگ سار کردند. اما دیگر دوره این قلدنمشیها و ایجاد جو ارباب و وحشی گریها به پایان رسیده است.

کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان انقلابی و مبارز ایران در کارخانه ها، دانشگاه ها، خیابانها و مراکز دیگر، صحنه مبارزه علیه رژیم در طول این مدت ترك نکرده اند. جوانان در جوش و خروش هستند و اعتراضات مداوما در جریان است. این اوباشان به ترس و لرز افتاده اند، زمین زیر پایشان داغ شده است. در مقابل اعتراضات و فشار وسیع مردم دارند زانومی زنند، این وضعیت آفریده حرکت تاریخی مردم ایران و بخصوص

جانوانی است که به پا خواسته اند تا نگذارند بیش از این قتل و کشتار شود تا نگذارند بیش از این بی ارزش و بی حرمت شوند. این جانوران باید بروند و گورشان را گم کنند. حرکت اعتراضی کارگران شرکت واحد و اعتراض و مبارزه بخشهای مختلف جامعه کارگری، موج وسیع حمایتهای داخلی و بین المللی از این مبارزات، میروند تا این صحنه را بکلی دگرگون سازد و حرکت اعتراضی کل جامعه را تحت تاثیر مبارزات کارگری قرار دهد.

اوضاع و شرایط متحول فعلی، انتظارات و توقعاتی را از انسانهای شرافتمندی که در خارج از ایران زندگی می کنند می طلبد. می توان و باید در سراسر دنیا و هر جا

سر مردم کوتاه کرد. سخنان رئیس باند تروریستها احمدی نژاد در رابطه با اسرائیل و همچنین کشتار یهودیان در آلمان، این جنایتکاران را در برابر جامعه جهانی رسوا و رسواتر نموده است. امروز وقت آن رسیده تا با حرکت و فشارهای ما در سطح جهانی، کشورهای اروپا را وادار کرد تا سفارتخانه ها و مراکز جاسوسی رژیم فاشیستی اسلامی را تعطیل کنند. وقت آن رسیده تا از هر نوع حضور مقامات و عوامل این رژیم آدمکش در خارج کشور جلوگیری کرد. وقت آن رسیده تا رسانه های خارج کشور مجبور شوند که حقایق مربوط به زندگی جهنم وار مردم ایران، جنایت کشتاری که این رژیم جنایتکار علیه مردم راه انداخته است را باز گو کنند. وقت آن رسیده تا این رسانه ها را وا دار کرد

تا حقایق مربوط به زندانها و بیحرمتی به زندانیان و شکنجه گاههای قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی را در معرض دید جهانیان قرار دهند. امروز وقت آن رسیده تا یکی از هارترین، عقب مانده ترین، و جنایتکارترین رژیمهای جهان معاصر را سرنگون کرد. و بشیریت را از این طاعون واز این ویروس خطر ناک رها ساخت و سران این رژیم را در دادگاههای بین المللی به محاکمه کشید.

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد انسانیت

مرگ بر رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی

* * *

از صفحه ۱

در آن اعلام شده بود که چنانچه به خواسته‌های آنان پاسخ داده نشود تاریخی برای اعتصاب تعیین میکنند و اعتصاب را شروع میکنند.

مسئولیت به سرانجام رساندن این مبارزه به دوش رهبری سندیکای واحد است و تعقل بیشتر در دست زدن به اعتصاب و حالت بلا تکلیف کنونی به نفع کارگران نیست. با گذشت زمان، فضای مساعد کنونی به زیان کارگران تغییر میکند، روحیه اعتراضی پائین میاید، حمایت

کارگران شرکت واحد با پخش . . .

سازمانهای کارگری در سطح بین المللی فروکش میکنند و اعتماد به رهبری سندیکا سست میشود و در چنین شرایطی دست دولت برای فشار و توطئه علیه سندیکا، ایجاد تفرقه و فشار به فعالین کارگری بازتر میشود. هیئت مدیره سندیکا از همه این فاکتورها بخوبی مطلع است و انتظار میورد، با توجه به فاکتورهای مساعد از جمله حمایت وسیع و بین المللی سازمانهای کارگری و روحیه رزمنده ای که در میان کارگران

وجود دارد، عکس العمل قاطعی از خود نشان دهد. لازم است اضافه کنیم که هیئت مدیره سندیکای واحد نیز سه روز قبل طی اطلاعیه ای اعتراض شدید کلیه کارگران و کارکنان شرکت واحد به ادامه بازداشت اسانلو را اعلام کرده و به آمادگی کارگران برای استفاده از تمام امکانات اعتراض همگانی در دفاع از آزادی اسانلو و مطالبات کارگران اشاره کرده است. مبارزه کارگران و کارکنان شرکت واحد به مرحله حساسی

رسیده است و پیروزی آن در گرو یک رهبری مصمم و قاطع و اتحاد و یکپارچگی در میان کارگران است. اما اتحاد و یکپارچگی در میان کارگران و سندیکای واحد نیز امروز به یک رهبری قاطع گره خورده است. و تنها با یک رهبری قاطع و متکی به توده های کارگر است که این مبارزه میتواند به جلو گام بردارد و در چنین صورتی است که نفوذ و محبوبیت سندیکای واحد گسترش می یابد و حمایت وسیعتری نه تنها در میان کارگران و کارکنان این شرکت، بلکه در کل جامعه نسبت به آن شکل میگیرد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواستها و مطالبات بحق کارگران واحد و مبارزه آنها حمایت میکند و همه کارگران و مردم آزادیخواه در داخل کشور و همه سازمانهای کارگری و مدافعین حقوق انسان را به پشتیبانی از کارگران شرکت واحد فرامیخواند. اسانلو باید فوراً آزاد شود و به مطالبات کارگران باید پاسخ داده شود.

حزب کمونیست کارگری
ایران
۱ بهمن ۱۳۸۴، ۲۱ ژانویه
۲۰۰۶

نامه های حمایتی جمعهای از کارگران و کارکنان شاغل در کارخانجات پتروشیمی

نامه هایی از طرف جمعهای از کارگران کارخانجات پتروشیمی در حمایت از کارگران شرکت واحد

پتروشیمی بندر امام
- پتروشیمی فن آوران
- پتروشیمی غدیر
- پتروشیمی فارابی
- پتروشیمی رازی
- پتروشیمی مارون
واقع در منطقه ویژه اقتصادی
ماهشهر

به: کارگران شرکت واحد
تهران

بدینوسیله ما تعدادی از کارگران و کارکنان شاغل در کارخانجات نامبرده بالا از اعتراضات و مبارزات شما اعلام حمایت کرده و امیدواریم از این مبارزه که در شرایط خطیری

صورت میگیرد، سربلند و سرفراز بیرون آئید. پیروزی شما، پیروزی همه کارگران ایران است. ما را در

از این به بعد هم خواهند کرد. مردم در مبارزه شما انعکاس خواستههایشان را میبینند. در یک

اسلامی و بالاخره خواست حداقل دستمزد پانصد هزار تومان خواست همه انسانهای شریف و کارگران ایران



که میتوانید از این میدان پیروز در بیایید. شما تنها نیستید و ما نیز وظیفه طبقاتی خود میدانیم که از اعتصاب برحق شما حمایت کرده و بدینوسیله شما را یاری برسانیم. همینجا، در همین مجتمع ها و در میان کارگران از مبارزات شما به عنوان حرکتی بسیار مهم یاد میشود و دقیق مبارزاتتان پیگیرانه دنبال میشود و بی شک پیروزی شما هزاران کارگر و انسان شریف را شاد خواهد کرد.

دستان را بگرمی میفشاریم و آرزوی پیروزی مبارزه و اعتصابتان را داریم.

اسانلو آزاد باید گردد
تمامی خواستههای کارگران
متحقق باید گردد
زنده باد اتحاد طبقاتی
کارگران

است که از بی حقوقی و فلاکت جانشان به لبشان رسیده است و به همین خاطر است که شما مورد توجه و حمایت همه مردم هستید. شما تنها با اعتماد به نفس بالا و مبارزه و اعتصاب متحدانه است

کلام خواست مردم آزادی از قید و بندهایی است که شما هم هر روزه با آن دست به گریبان بودید. خواست آزادی تشکل، خواست آزادی اسانلو به مشابه خواست آزادی زندانیان سیاسی، خواست انحلال شوراهای

کنارتان بدانید. خواستههای شما خواستههای همه ماست. تا همینجا مبارزه شما تاثیرات خودش را بر جامعه و بویژه بر مردم تهران گذاشته است. دانشجویان، کارگران و زنان زیادی از شما حمایت کرده اند و

مشخصات فنی

Satellite: Telstar 12
Center Frequency:
12608MHz
SymbolRate:19279
FEC:2/3
Polarization:
Horizontal

تلویزیون
کانال جدید
۸ تا ۱۰ شب

رادیو انترناسیونال
۹ هر شب
۴۱ متر برابریا
۷۴۹۰ کیلو هر تیز

از سایت ایسکرا دیدن کنید
www.iskraa.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!